

۱۱۰۰۲۰

۸۷/۱/۱۰۱۶۳

۸۸-۱-۶۶



پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری

دانشکده معماری و شهرسازی

دانشگاه شهید بهشتی

راهکارها و اصول بسترسازی برای جلب مشارکت شهروندان در فرایند طراحی شهری در مقیاس محلی

دانشجو: فرناز فرشاد

استاد راهنما: دکتر کامران ذکاوت

استاد مشاور: دکتر جهانشاه پاکزاد

زمستان ۱۳۸۷

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۳

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۱۰۰۲۰

سپاس فراوان از استاد ممتز راهنما، جناب آقای دکتر ذکاءت، که تا آفرین دقایق شور و شوق جستجو و دانستن را در من زنده نگاه داشتند... بسیار بیش از آن که به سخن درآید و امدارشان هستم،

شکر و قدردانی تا همیشه خدمت استاد مشاور گرامی، جناب آقای دکتر پاکزاد، که به اندیشه ا پروبال دادند... پیشمهای شسته و نگاه دیگرگونه ا را مدیون ایشان هستم.

سپاس و قدردانی از اساتید ممتز جناب آقای دکتر گلکار و جناب آقای مهندس شعبی که در طول این سالها در نهایت سفاوت چراغ راه بودند و از گستردن عرصه فراغ دانش و گستره بیکران بینش در پیش چشممان ما لمظه ای فروگذار نکردند؛ لطفشان را فراموش نخواهم کرد...

نهایت امتنان من نثار دوستان گرانقدری که در لمظات دشوار دستم را گرفتند:

خانم مهندس شمیم گلرخ به پاس نگاه دقیق و موشکافانه‌اش، خانم مهندس آویده
کامرانی به یاد پیشنهادهای به‌جا و طراحانه‌اش و خانم مهندس سایه فرید تهرانی به خاطر
رفاقت همیشه ماضرش؛

دستشان را به گرمی می‌فشارم؛ گرچه در مقابل لطف بی‌پایان آن‌ها بسیار ناچیز است...

سمر، که روزهای طرّامی شهری با او معنا شد؛

و آقای امیر پارسا هجت، که لذت ناب اندیشیدن را تنها با او تجربه کردم... طعم شیرینی

که سپاس همه عمر با آن برابری نتواند کرد.

با تشکر و قدردانی از پدرم و برادرم فرزاد، که در طول مدت تمقیق صبورانه مرا همراهی کردند...

و تقدیم به لطیف‌ترین الهه آسمان‌ها، به خاطر تمام چیزهایی که بود و هست...



فهرست مطالب

صفحه

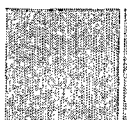
چکیده

۶	۱- فصل یکم.....
۶	۱-۱- مقدمه.....
۹	۱-۲- طرح مسأله.....
۱۱	۱-۲-۱- مخاطب پژوهش.....
۱۱	۱-۲-۲- محصول پژوهش.....
۱۲	۱-۲-۳- روش پژوهش.....
۱۲	۱-۲-۴- محدودیت و اعتبار پژوهش.....
۱۳	۱-۲-۵- ساختار پژوهش.....
۱۵	۲- فصل دوم.....
۱۵	۲-۱- ضرورت مشارکت در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری.....
۲۱	۲-۲- سابقه مشارکت در ارتقاء کیفی محیط مصنوع.....
۲۲	۲-۲-۱- برنامه ریزی و کالتهی.....
۲۵	۲-۳- مفهوم مشارکت.....
۳۰	۲-۴- عوامل مؤثر بر مشارکت.....
۳۵	۲-۴-۱- مفهوم شهروندی.....
۳۹	۲-۴-۲- مفهوم اجتماع و محله.....
۴۳	۲-۵- جمع بندی.....
۴۶	۳- فصل سوم.....
۴۶	۳-۱- مشارکت در طراحی شهری.....
۵۲	۳-۱-۱- مشارکت به مثابه وسیله.....
۵۳	۳-۱-۲- مشارکت به مثابه هدف.....
۶۰	۳-۲- انواع پروژه‌های طراحی شهری در مقیاس محلی.....
۶۳	۳-۳- پیشنهاد چارچوب مفهومی برای فرایند مشارکتی.....
۶۵	۳-۴- جمع بندی.....
۶۸	۴- فصل چهارم.....
۶۸	۴-۱- سطوح مشارکت.....
۷۰	۴-۱-۱- مقیاس مشارکت.....
۷۴	۴-۱-۲- میزان مشارکت.....
۷۶	۴-۱-۲-۱- محدودیت‌های مدل نردبان مشارکت.....
۷۷	۴-۱-۲-۲- ویژگی‌های سطوح معرفی شده در نردبان مشارکت.....
۸۲	۴-۱-۲-۳- ویژگی‌های سطوح معرفی شده در مدل بانک جهانی.....
۸۵	۴-۱-۲-۵- طرح استقبال از بهار.....



۸۶	۴-۲- بازوهای مشارکت
۹۲	۴-۲-۱- نوسازی مشارکتی محله خوب بخت
۹۵	۴-۲-۲- سرمایه اجتماعی
۹۸	۴-۲-۳- توسعه محله محور
۱۰۱	۴-۲-۴- توسعه محلی دارایی محور
۱۰۶	۴-۲-۴-۱- مجتمع مسکونی هرمزان
۱۰۸	۴-۳- دو روی سکه مشارکت
۱۰۸	۴-۳-۱- فواید بهره‌مندی از مشارکت
۱۱۱	۴-۳-۲- معایب به کارگیری مشارکت در طراحی شهری:
۱۱۳	۴-۴- موانع مشارکت
۱۱۵	۴-۴-۱- موانع ساختاری
۱۱۷	۴-۴-۲- موانع اجرایی
۱۲۰	۴-۴-۳- موانع فرهنگی
۱۲۴	۴-۴-۳-۱- موانع ذهنی مدیران شهری
۱۲۵	۴-۴-۳-۲- موانع ذهنی متخصصان
۱۲۶	۴-۴-۳-۳- موانع ذهنی شهروندان
۱۲۹	۴-۵- جمع بندی
۱۳۱	۵- فصل پنجم
۱۳۱	۵-۱- ریشه‌یابی موانع ذهنی مشارکت در ایران
۱۳۵	۵-۲- جمع بندی
۱۳۸	۶- فصل ششم
۱۳۸	۶-۱- بررسی بستر فعلی مشارکت در ایران
۱۳۸	۶-۱-۱- انجمن‌های شورایی
۱۴۲	۶-۱-۲- معرفی تکنیک‌های مشارکت اجتماع محلی در طراحی شهری
۱۵۲	۶-۱-۲-۱- طرح جامع سه بعدی آیلشام
۱۵۴	۶-۱-۲-۲- مرکز شهری کترهام باراکس
۱۵۶	۶-۲- جمع بندی
۱۵۸	۷- فصل هفتم
۱۵۸	۷-۱- معرفی ساختار سند راهنمای طراحی شهری
۱۵۹	۷-۱-۱- معرفی سند راهنما
۱۶۰	۷-۱-۲- هدف از تهیه سند راهنما
۱۶۰	۷-۱-۳- محتوای سند راهنمای طراحی
۱۶۱	۷-۱-۴- استفاده از سند راهنما
۱۶۱	۷-۱-۵- فرایند تهیه سند راهنمای طراحی شهری
۱۶۳	۷-۲- تدوین سند راهنمای طراحی در تشویق و هدایت مشارکت محلی
۱۶۴	۷-۲-۱- تدوین اهداف کلان و خرد

- ۱۶۵ ۷-۲-۲- انتخاب معیارهای کیفی برای تدوین و ارزیابی راه حل‌ها
- ۱۶۹ ۷-۲-۳- سند راهنمای طراحی شهری برای طراحان و شوراییاران در تشویق و هدایت مشارکت محلی
- ۱۷۰ ۷-۲-۳-۱- راهنمای مدیریت و هدایت مشارکت در محله
- ۱۷۸ ۷-۲-۳-۲- راهنماهای ارتقاء کیفیت مکان با کمک مشارکت
- ۱۸۳ ۸- فصل هشتم- پیوست
- ۱۸۳ ۸-۱- طرح توسعه مرتون، پاپلی: تلفیق کهنه و نو
- ۱۸۳ سابقه و بستر پروژه
- ۱۸۶ ۸-۲- نمونه چک لیست سنجش و ارزیابی کیفیت محیط توسط اهالی، راهنمای طراحی برای شهرهای کوچک





نام خانوادگی: فرشاد

نام: فرناز

دانشکده: معماری و شهرسازی

رشته تحصیلی و گرایش: طراحی شهری

استاد راهنما: دکتر کامران ذکاوت

تاریخ فراغت از تحصیل: زمستان ۱۳۸۷

عنوان پایان نامه: اصول و راهکارهای جلب مشارکت شهروندان در فرایند طراحی شهری در مقیاس محلی

چکیده:

مشارکت در علوم اجتماعی واژه ای جامع است که در بر گیرنده روش های مختلف درگیری و دخالت مستقیم مردم در تصمیمات سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی است. در شرایط آرمانی، هر فرد مشارکت کننده می بایست در ازای میزان تأثیری که یک تصمیم خاص ممکن است بر او باقی گذارد و به همان نسبت، حق اظهار نظر داشته باشد. تصمیم سازی مشارکتی ناظر بر سطحی از قدرت تقسیم شده است که می تواند در عرصه های مختلف فعالیت های اجتماعی انسان بروز یابد. بنابراین مشارکت می تواند ابعاد متنوعی نظیر مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی، مشارکت فرهنگی و ... باشد.

نزدیک به چند دهه است که مفهوم مشارکت راه خود را در مباحثات طراحی شهری، برنامه ریزی و معماری نیز گشوده است. از آنجا که مفهوم مشارکت صور مختلف تصمیم سازی توسط افراد و یا گروههای درگیر را پوشش می دهد، زمانی به صورت مؤثر رخ می دهد که بدانیم در چه زمانی و برای انجام چه کاری نیاز به مداخله مشارکت کنندگان وجود دارد. با وجود این امروز، با رشد روز افزون شهرنشینی فقدان چنین بینشی در ساز و کار فرایند تصمیم سازی، اجرا و پایش مداخلات طراحانه مشاهده می شود. بنابراین از آنجا که سابقه مشارکت اختیاری در کشور ما بسیار کم رنگ و نادر است، بازبینی در این مفهوم و ارائه راهنمایی متناسب با نیازهای شهروندان ضروری می نماید.

مشارکت به سختی ممکن است در زمان اضطرار و فوریت به نحوی مناسب و برازنده تحقق یابد، بنابراین پیش شرطها و زمینه های مشارکت باید قبل از اقدام به آن فراهم شده باشد. آنچه در این بحث اهمیت دارد، ضرورت وجود معیاری است که علاوه بر ایجاد تعامل میان علوم اجتماعی، مدیریتی و طراحی، بتواند زبان های مختلف مزبور را به کدهای طراحانه و کاربردی تبدیل نماید. بنابراین پیش از هر گونه اقدام، مطالعه در راستای شناخت امکان به کارگیری مداخلاتی از این دست، می تواند در تعیین نوع و کیفیت مداخله راهگشا باشد.

همانطور که پیشتر بدان اشاره شد، شرط کارایی و مؤثر بودن مشارکت منوط به پاسخ به سوالاتی ساده اما کلیدی است که می بایست پیش از تدوین برنامه ای برای مشارکت مورد بررسی قرار گیرند. این سوالات به قرار زیر است:

- گروههایی که می بایست در مشارکت دخیل شوند چه کسانی هستند؟

- قرار است چه نتیجه ای از برنامه مشارکت حاصل شود؟

- روش های مشارکتی مناسب برای درگیر شدن افراد کدامند؟

- در چه مرحله ای از فرایند طراحی و برنامه ریزی به کارگیری مشارکت ضروری است؟

در این پژوهش سعی بر آن است تا در حد توان پیش شرطهای لازم برای جلب مشارکت شهروندان در مراحل مختلف فرایند طراحی شهری در مقیاس محلی با توجه به شرایط ایران شناسایی و تأمین شوند، که خود منوط به دستیابی به پاسخ هایی درخور برای پرسشهایی است که در پی می آیند:

- چگونه می توان مردم را جهت بیان مطالبات کیفی و تعریف هویت مورد انتظارشان از مکان سازماندهی نمود؟

- جایگاه معتمدین محل و سرمایه اجتماعی کجاست؟

- چگونه می توان برای کسب جایگاه اجتماعی و جلب اعتماد جامعه محلی آماده شد؟

- چگونه می توان از کدهای طراحانه در راستای مشارکت پذیری جوامع محلی استفاده نمود؟

فصل هشتم: پیوست ها

فصل هفتم: تدوین سند راهبردی طراحی شهری

فصل نهم: بررسی دستور فعلی مشارکت مدنی در ایران

فصل پنجم: ریشه بانی موانع مشارکت مدنی در ایران

فصل چهارم: پیشنهاد چارچوب مفهومی مشارکت مدنی

فصل سوم: شفاف‌سازی مفهوم مشارکت در طراحی شهری

فصل دوم: چارچوب نظری، مروری بر ادبیات موضوعی

فصل یکم: طرح مسأله



فصل یکم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱-۱- مقدمه

بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها، به ویژه مراکز شهرها، در کشورهای مختلف جهان به محل‌هایی پرخطر تبدیل شده‌اند؛ مکان‌هایی کثیف و مملو از آشغال و زباله، پوشیده از اعلامیه و شعارهای دیواری، هوای آلوده، ترافیک و سر و صدای سرسام آور، انبوهی از ساختمان‌های هم شکل در حد متوسط و غالباً نازیبا که به خوبی مرمت نشده و به انسان دهن کجی می‌کنند. مکان‌هایی نا امن که شب هنگام کارتن خواب‌ها برای خوابیدن در راهروها و زیرگذرها به آن‌ها پناه می‌برند و هنگام روز در همان جا به گدایی می‌پردازند. سازندگان و مالکان، اغلب ورود به ساختمان‌های خود را محدود می‌کنند و این کار، باعث جدایی مردم از مراکز خرید و فضاهای عمومی همکف فعال در عصرها و تعطیلات آخر هفته شده است. بیشتر ساختمان‌ها به جای گفتن «خوش آمدید...» و دعوت برای ورود، مردم را از خود رانده و می‌گویند: «بروید گم شوید!...» (فرانسیس تیبالدز، ۱۹۹۲).

تجسم مکان‌هایی که تیبالدز سعی داشته در این یادداشت به تصویر بکشد، چندان هم دشوار نیست. اعتراف به این موضوع که هرکدام از ما در سفرهای روزانه خود به مدرسه، دانشگاه یا محل کار و در گردش‌های شبانه یا آخر هفته بارها و بارها با چنین صحنه‌هایی مواجه شده‌ایم به هیچ وجه اغراق آمیز نیست. فضاهای ناکارآمد شهری، عدم وجود فضاهای امن برای عابر پیاده، تسلط وسایل نقلیه موتوری چه در حال حرکت و چه در حال سکون، تبدیل بسیاری از عرصه‌های باز به پارکینگ یا محل جمع شدن زباله، آلودگی‌های محیطی، صوتی و بصری، محیط‌های رها شده و بدون متولی که مورد بی توجهی و خرابکاری قرار گرفته‌اند و بسیاری موارد دیگر همه و همه



مثال‌هایی از این دست هستند. به طور قطع نمی‌توان علت بروز چنین معضلاتی را تنها یک فرد، نهاد یا ارگان معرفی کرد چراکه پیچیدگی مسأله خود اشاره ای است به شبکه در هم تنیده و پیچیده‌ای از علل که شاید تا برطرف نشدن همه آن‌ها امید‌رهایی از این مسائل وجود نداشته باشد.

آنچه در این میان حائز اهمیت است، تلخکامی و یاسی است که گریبانگیر ساکنین چنین فضاهایی در مواجهه با محیط پیرامون خود می‌شود و مقدمات جدایی و سلب تعلق آن‌ها را با جایی که قرار بوده به تعبیری خانه دوم آن‌ها باشد بیش از پیش فراهم می‌آورد. لازم به یادآوری این نکته نیست که همین جدایی، فقدان حضور و اصلاً فقدان علاقه به حضور در محیط‌های شهری به مثابه مأمنی برای به وقوع پیوستن حادثه مکرر زندگی شهری و نه صرفاً محل گذار و گذر خود به بسیاری مسائل و کژئی‌های دیگر دامن می‌زند. در این میان، چیزی که همواره می‌تواند فکر را مشغول نگه دارد اینست که این رابطه کی و در کجا به طور کامل گسسته می‌شود؟ و آیا راه چاره‌ای برای بازگشت به زندگی شهری، آن‌چنان که در طرح‌ها و آرمان‌شهرها به تصویر کشیده شده بود باقیست؟

هدف از مطرح کردن بحث مشارکت در این پژوهش، تجویز یک نسخه به اصطلاح شسته رفته برای چنین بحران جدی و خطرناکی نیست، بلکه طرح مسأله‌ایست که به نظر می‌رسد اگر در ابعاد درست و حقیقی خود شناخته و به کار بسته شود، می‌تواند کلید حل برخی از مشکلات باشد. آنچه امروز با شنیدن واژه مشارکت به ذهن تقریباً همه ما خطور می‌کند، جلب حمایت‌های مالی (از سر جبر یا اختیار) در پروژه‌های مختلف است. پرسش اینجاست که آیا تمام کاری که یک فرد در قبال حفظ و بهبود وضعیت محیط زندگی خویش می‌تواند انجام دهد، و تمام تلاشی که فرد می‌تواند در ایجاد رابطه با شهر به منزله محیط زندگی و گذار از حالت شهرنشینی به حالت شهروندی، که متضمن بلوغ فردی و اجتماعی وی است، در آن درگیر شود، منحصر به همین خرج کردن‌هاست؟ به بیان دیگر، آیا مشارکت مالی، تمام اهداف و ایده‌آل‌هایی که ما از مشارکت در سر می‌پرورانیم محقق می‌سازد و خرج کردن مقداری پول می‌تواند فرد را از وظیفه به مراتب مهم‌تر اندیشیدن دربارهٔ اموری که مستقیماً به زندگی وی مربوط می‌شوند معاف کند؟

از سوی دیگر، مسأله مقیاس طرح‌های شهری یکی از این عواملی است که به این گسست دامن می‌زند؛ بدین معنی که آنچه باعث خالی شدن فضاهای شهری از مفاهیم، توقعات و تعلقات و به تبع آن مانع تبدیل شدن آن‌ها به مکان‌های شهری می‌گردد، عدم وجود تناسب میان مقیاس طرح‌های پیش‌بینی شده (جامع و تفصیلی) و مکان‌های قابل زندگی است. گرچه دستاورد این طرح‌ها در جای خود بسیار مفید و قابل توجه است، اما ناکارامدی آن‌ها در مقیاس‌های خرد نیز بر کسی پوشیده نیست. بازگشت به حال و هوای صمیمی و مردمی تر شهرهای قدیمی (سنتی)

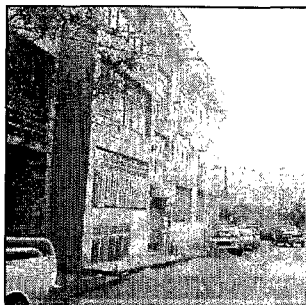


نه تنها مقیاسی متفاوت، بلکه کارفرمایان، مجریان و سرمایه گذاران متفاوتی را نیز طلب می‌کند. اینجاست که بیان خواست‌های مردم، نظارت و کنترل، ابراز عقیده و ایده پردازی آن‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در واقع احساس تعلق و این همانی با محیط تنها در فرایند تبدیل شدن ساکنین شهر یا محل به اهالی آن است که محقق می‌شود و این فرایند نیز جز با احقاق حق شرکت در ایجاد، تغییر، نگهداری و از همه مهمتر تصمیم‌گیری درباره محیط زندگی فرد در نقش عضوی از جامعه آغاز نمی‌شود.

در این پژوهش مراد از مشارکت فرایندی است که در آن مردم بتوانند ضمن بیان نیازها و مطالبات خود با مشاوران متخصص بحث و گفتگو کنند و با شناسایی نقایص و کاستی‌ها در نهایت تصویر روشنی از کیفیت مطلوب محیط زندگی خود به دست آورند و در راستای تحقق آن بکوشند. در این میان متخصصان نیز به عنوان مشاور آگاه به ابزار فنی تحقق این آرزوها در کنار مردم محلی به ایفای نقش می‌پردازند. انتظار می‌رود که این مجموعه بتواند حرکتی از پایین به بالا را موجب شود و در نتیجه خلل ناشی از عدم تناسب مقیاس طرح‌های کلان شهری با مکان‌های خرد قابل زندگی را برطرف کند.

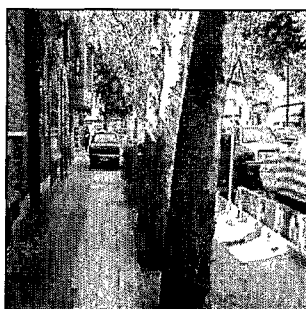


۲-۱- طرح مسأله



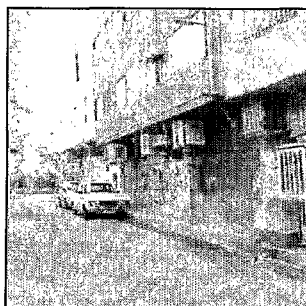
محله مسکونی، شهرآرا، تهران

از بین رفتن روابط انسان با محیط طبیعی یکی از پی‌آمدهای زندگی مدرن و ماشین زده‌ای است که دنیای امروز با سرعت سرسام آوری بدان درمی‌غلند. لذا جای تعجب نیست که در این میان، نقش محیط مصنوع به مثابه تنها گزینه موجود برای شکل‌گیری و وقوع تقریباً تمامی فعالیت‌های انسان در مقاطع مختلف زندگی اهمیتی مضاعف یافته است و به این ترتیب محیط مصنوع به جزء لاینفکی از زندگی انسان تبدیل شده است.



محله مسکونی، امین حضور، تهران

نخستین و مهمترین هدف دانش طراحی شهری، ارتقاء کیفیت زندگی انسان است که برای نیل به هدف مزبور به ابزار شکل‌دهی و یا دخل و تصرف در محیط متوسل می‌گردد. لذا طراح شهری در کنار متخصصان دیگری همچون معماران، مهندسان و ... در نقش متولیان محیط کالبدی وظیفه دارند با شناسایی نیازها و مطالبات مردم، در راستای از میان برداشتن کاستی‌ها و نارسایی‌ها و همچنین ایجاد مکان‌های مطلوب و قابل زندگی تلاش نمایند و به تدریج و در حد امکان کیفیت متفاوت و قابل قبولی از زندگی را فراهم نمایند.



محله مسکونی، شهرآرا، تهران

آنچه در این میان سبب دشواری کار می‌گردد و می‌تواند خود به مانعی بر سر راه دستیابی به هدف پیش‌گفته تبدیل شود، این نکته است که کیفیت زندگی به کلی با یک نسخه حاضر و آماده که بتوان به سادگی آن را برای دیگران تجویز کرد متفاوت است. گرچه آشنایی با علوم و فنون می‌تواند کمک مؤثری در پیشبرد یک فرایند مسأله‌گشایی باشد و به روند آن اعتبار بخشد، باید اعتراف نمود که نمی‌توان تنها با اتکا بر چارچوب‌های علمی و داشتن تخصص، مجموعه کامل و بی‌نقصی در پاسخ به ایده‌آل‌ها، توقعات، آرزوها و ارزش‌های یک فرد در زندگی تدوین کرد. آنچه امروز به منزله حلقه گمشده در تکاپو برای دستیابی به سطوح بهتر زندگی از طریق مداخلات محیطی و یا ایجاد تغییر در روابط



محله مسکونی، امین حضور، تهران



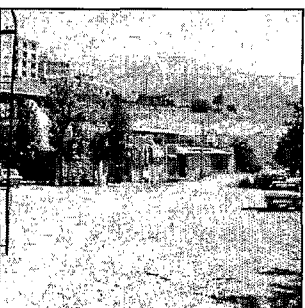
محله مسکونی، دولتخواه، تهران



محله مسکونی، دولتخواه، تهران



محله مسکونی، مدائن، تهران



محله مسکونی، دارآباد، تهران

و مناسبات اجتماعی از سوی همه احساس می‌شود، فقدان حضور فعال و تعیین کننده مردم در نقش کانون مولد این ایده‌آل‌ها و آرزوها و هدف نهایی تمام فعالیت‌های طراحانه است.

شاید بتوان بخشی از مسؤلیت نابسامانی‌های شهرهای امروز را که موجب استحاله مفهوم شهروندی از درون گشته و مردم را به ساکنینی بی تفاوت و ناآشنا با محیط پیرامون خود بدل کرده را به گردن مسؤلان، نهادها، سازمان‌ها و یا متخصصان انداخت. اما آنچه بیش از پیش به این فرایند بیمارگونه دامن می‌زند و روز به روز با بلعیدن حس تعلق انسان‌ها به محیط زندگی خود و بدون باقی گذاردن کوچکترین پیوندی میان آن‌ها و محیط، هرگونه اتصالی میان شهر و شهر-وند را ناممکن می‌گرداند، بی توجهی و عدم دخالت مردم در امور است که مستقیماً به زندگی ایشان مربوط می‌شود.

زمان بر بودن، الزام به صرف هزینه‌های مکرر، دشواری برقراری ارتباط با دیگران در دنیای به ظاهر مدرن امروز، بی‌اعتمادی و هزاران دلیل موجه و غیرموجه دیگر، توجه و رسیدگی به امور کالبدی محیط زندگی را به چنان هیولایی بدل ساخته که تقریباً همه مردم از آن گریزانند و حاضرند با چشم پوشی از حقوق اولیه‌ای همچون حق انتخاب، تصمیم‌گیری، ایجاد تغییر و دخل و تصرف در محیط زندگی خود به کنج امن خانه‌های خویش پناه برند و بیش از پیش با دنیای پیرامون خود بیگانه گردند. لذا در منتهای چنین سازوکاری، فرد نه تنها از داشتن هویت اجتماعی (که از نقش اجتماعی وی حیات می‌گیرد) بی نصیب می‌ماند، بلکه با به دوش کشیدن پوسته‌ای توخالی که به واسطه سکونت در یک اجتماع شهری به دست آورده است، تا حد عدد و رقمی برای مشروعیت بخشی به اهداف و خواسته‌های دیگران (صاحبان قدرت) تقلیل می‌یابد.

بدیهی است در جایی که فرد، در نقش یک شهروند، به چگونگی و کم و کیف زندگی شهری و اجتماعی خود اهمیت نمی‌دهد، و نگاهش به شهر و محله‌ای که در آن زندگی می‌کند عاری از هر

نوع علاقه، توجه و احساس تعلق و مملو از بی تفاوتی است، عملکرد متخصصان و مسؤولان، هر چند مدبرانه و دلسوزانه، در غیاب صاحبان و مصرف کنندگان اصلی فضاهای شهری نمی‌تواند چندان اثر بخش باشد. به عبارت دیگر، دستیابی به هدف ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان پیش از هر چیز متضمن وجود این خواست از سوی شهروندان و مشارکت و همکاری از جانب آنان است.

در این پژوهش، تلاش شده است تا با مرور مفاهیم، محرک‌ها و موانع مشارکت مدنی و بررسی وضعیت و سازوکار قانونی و اجتماعی مشارکت در کشورمان ایران، در حد توان راهکارهایی برای جلب مشارکت شهروندان در فرایند طراحی شهری در مقیاس محلی پیش بینی و تدوین گردد تا بدین ترتیب گامی در راستای ایجاد بستر مناسب و قابل قبولی برای بذل توجه و مشارکت شهروندان در امور شهر و محله فراهم آید چراکه «مشارکت اجتماعی صرفاً با حرف و اندرز و دعوت مداوم تحقق نمی‌یابد. مشارکت اجتماعی نیازمند بستری مناسب است و بدون آن جریان پیدا نمی‌کند. بستر مناسب برای مشارکت فعال همه مردم، تقویت جامعه مدنی و نهادها و اجزا و فرایندهای وابسته به آن است» (پیران، ۱۳۷۶: ۳۵).

۱-۲-۱- مخاطب پژوهش

در این پژوهش انجمن‌های شورایی به منزله کانونی ثابت و پایدار فرض شده‌اند که چون اعضای آن از میان اهالی محل انتخاب می‌شوند، نه تنها خود در سیاست‌هایی که در مورد یک محل مفروض اتخاذ می‌شود ذی‌نفع هستند، بلکه بهترین گزینه موجود برای جلب مشارکت‌های مردمی در سطح محله به شمار می‌آیند. علاوه بر این طراحان شهری به عنوان متخصصانی که جایگاهی ویژه در بدنه اجرایی مشارکت دارند، نیز در این رابطه به عنوان یکی از بازوهای فعال در پیشبرد فرایند مشارکت دیده شده‌اند.

با این توضیح، مخاطب اصلی این پژوهش در وهله اول، شوراییاران و در مرحله دوم طراحانی هستند که با باور به لزوم مشارکتی بودن فرایند طراحی و مکان‌سازی قصد دارند عهده دار راهاندازی، مدیریت و هدایت مشارکت مردم در فرایندهایی گردند که در نهایت منجر به ارتقاء محیط می‌شود.

۱-۲-۲- محصول پژوهش

محصول نهایی این پژوهش سند راهنما، یکی از اسناد هدایت و کنترل طراحی شهری است که در دو سطح تنظیم شده است. سطح نخست این راهنماها ناظر بر جلب مشارکت اهالی توسط شوراییاران و طراحان و مدیریت و هدایت آن (برای مثال نحوه اداره جلسات، فرایندهای مسأله

یابی و ... است. این دسته از راهنماها در قالب ۴ موضوع اطلاع رسانی، مکان، زمان، شیوه بیان و نقش تنظیم شده‌اند. سطح دوم از راهنمای مزبور ناظر بر ابعاد مکانی و مداخلاتی هستند که به طور عام ممکن است در یک محله صورت بگیرند. هدایت این مداخلات و تضمین حفظ راستای آن‌ها در راستای ارتقاء کیفیت محیط در این قسمت لحاظ شده است.

۳-۲-۱- روش پژوهش

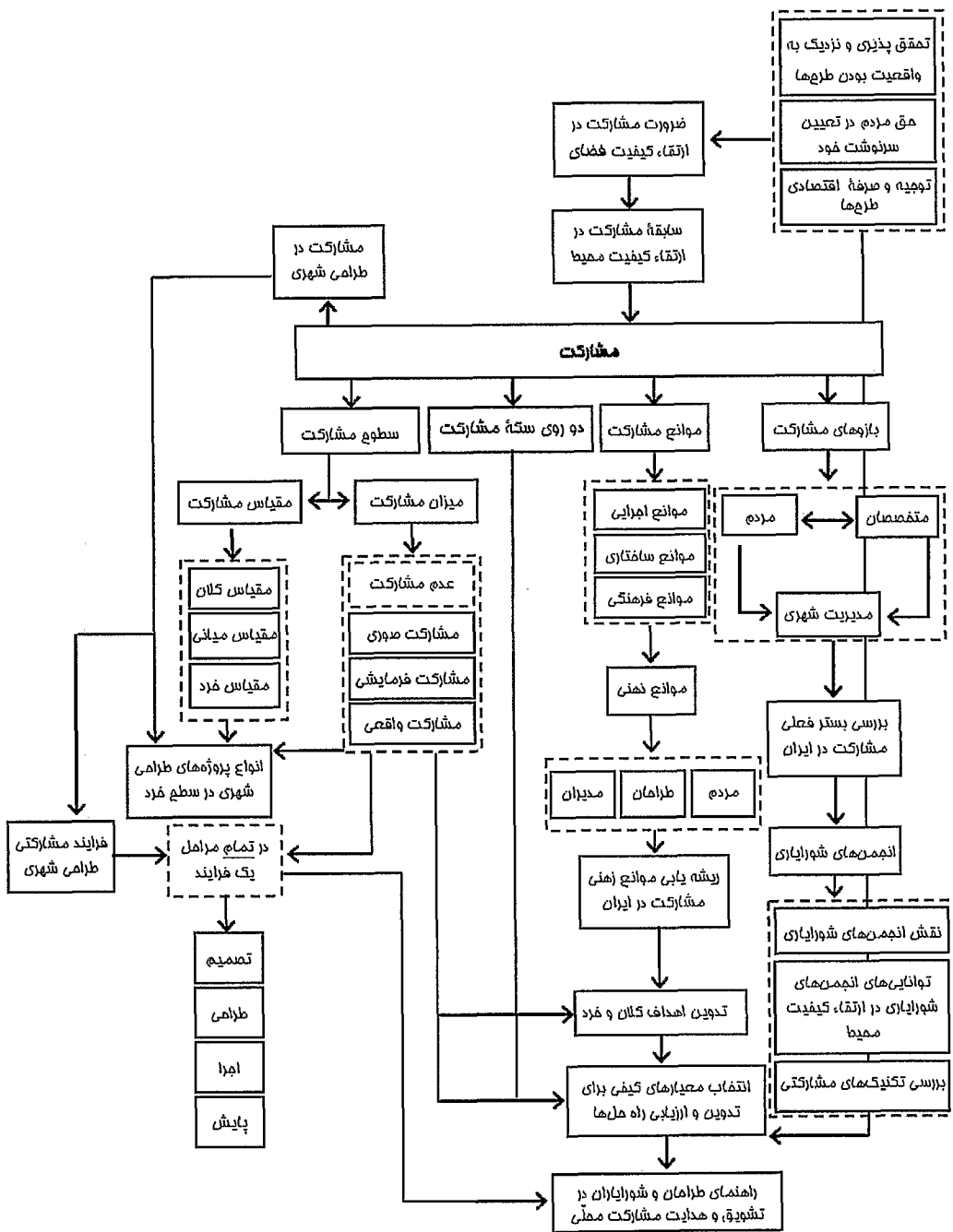
از آنجا که بحث مشارکت ریشه‌های عمیقی در مباحث نظری دارد، لذا بخش عمده‌ای از پژوهش حاضر متکی بر مطالعات منابع کتابخانه‌ای موجود است. از سوی دیگر، مشارکت نیز مانند هر فرایند اجرایی دیگر، تا زمانی که به عرصه عمل وارد نشده، فاقد معنا و مفهوم واقعی خود است. لذا ناگزیر، بخش مهم دیگری از پژوهش حاضر مبتنی بر مطالعه و شناخت نمونه‌های موردی و تلاش برای تطبیق و مقایسه آن‌ها با مبانی نظری است.

۴-۲-۱- محدودیت و اعتبار پژوهش

از آنجا که یکی از مهم‌ترین بازوها در بحث مشارکت مردم هستند، بی تردید در بحث از فرایند مشارکت عواملی نظیر ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از یکسو و بحث ملاحظات زمانی و مکانی از سویی دیگر تأثیر قابل توجهی دارند. لذا این پژوهش نیز، مانند هر پژوهش دیگری در این حوزه نمی‌تواند کیفیتی همه شمول داشته باشد. از این رو، تلاش شده است تا با مرور مسائل اصلی و مؤثر در موضوع مشارکت، طرحی کلی از آن ترسیم و موانع و مشکلات بالقوه آن شناسایی شود.

بنابراین باید توجه داشت که از آنجا که فرایند مشارکت تا حد زیادی متأثر از الزامات زمان و مکان است، پژوهش حاضر تنها به شرح و توصیف نمونه‌ای از نمونه‌های ممکن می‌پردازد و اعتبار آن به هیچ روی قابل تعمیم به زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیست. ساختاری که در این پژوهش ارائه می‌گردد تنها پس از مناسب سازی و تدقیق بر اساس شرایط، می‌تواند قالبی برای فرایند طراحی شهری با رویکرد مشارکتی فراهم آورد.

۵-۲-۱- ساختار پژوهش



فصل هشتم: بیوست ها

فصل نهم: تدوین سند راهبردی طراحی شهری

فصل دهم: بررسی بستر فعلی مشارکت مدنی در ایران

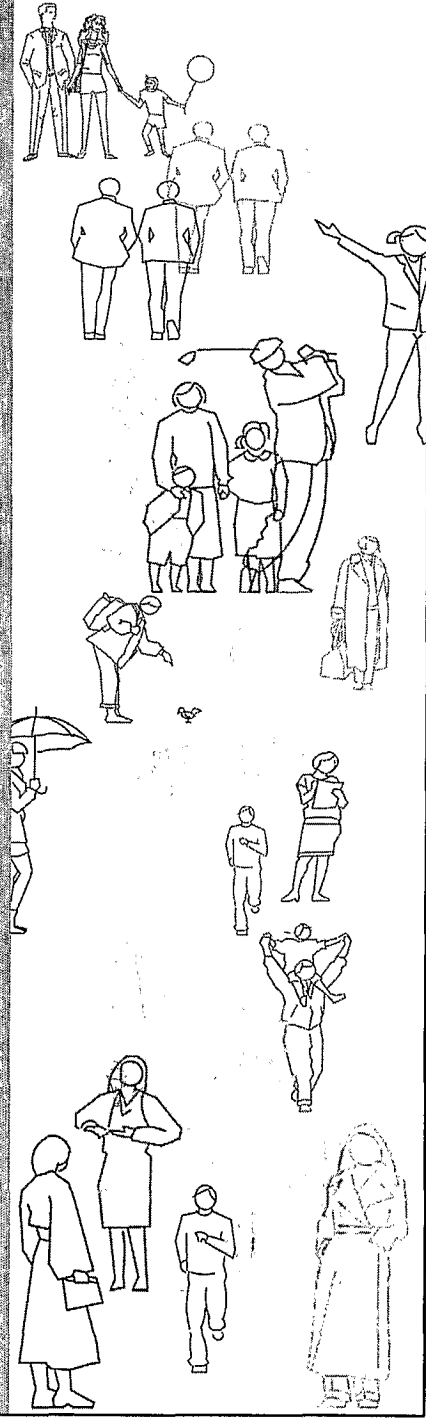
فصل یازدهم: ریشه یابی موانع ذهنی مشارکت مدنی در ایران

فصل چهارم: پیشهاد چارچوب مفهومی مشارکت مدنی

فصل سوم: شفاف سازی مفهوم مشارکت در طراحی شهری

فصل دوم: چارچوب نظری، مروری بر ادبیات موضوعی

فصل یکم: طرح مساله



فصل دوم

۲-۱- ضرورت مشارکت در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری

رشد روزافزون شهرها و تغییرات ترکیب جمعیتی کشور که امروزه بیش از پیش به سمت شهرنشینی سوق یافته است، مسأله مشارکت در طراحی شهری، به معنای داشتن اختیارات و البته در پی آن وظایفی برای تصمیم‌گیری، انتخاب، دخل و تصرف و در نهایت نگهداری از محیط به مثابه ظرف زندگی جمعی، را واجد اهمیتی فزاینده ساخته است. چنان که از ظاهر و صورت مسأله برمی‌آید، مسأله مشارکت برای تحقق یافتن حداقل به دو طرف درگیر نیازمند است؛ بنابراین ضرورت ظهور مشارکت در طراحی شهری نه تنها برای مردم، بلکه برای متخصصان و همچنین مدیریت شهری نیز مطرح می‌شود.

شهر، با تمام سازوکارهای پیچیده و در هم تنیده اش، بستری برای تبلور زندگی اجتماعی به شمار می‌آید و گرچه نمی‌تواند به خودی خود همانند تابعی ریاضی که لزوماً خروجی مشخصی دارد ساکنین خود را به شهروند تبدیل کند، نباید از نظر دور داشت که در وقوع این فرایند نقش عمده ای را ایفا می‌کند. بر اساس یک حکم کلی و ابتدایی، فرد در جریان زندگی اجتماعی خود که آن را گرچه به ضرورت، اما به اختیار برگزیده ناگزیر از تقسیم کار اجتماعی است. بدیهیست که تقسیم کار اجتماعی نه به معنای صرف نظر کردن از حق خود و تفویض آن، بلکه به مفهوم اعطای نمایندگی از جانب گروهی از افراد به برخی دیگر برای انجام بخشی از مسؤولیت‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی جمعیت است. از این رو در یک جامعه دموکراتیک (مردم سالار)، هنگامی که پیش فرض مزبور در جریان انجام امور فراموش شده و به تدریج فرد یا گروهی بر اکثریت افراد جامعه تفوق می‌یابد زندگی اجتماعی حول آراء یک فرد یا گروه شکل می‌گیرد و بنیاد